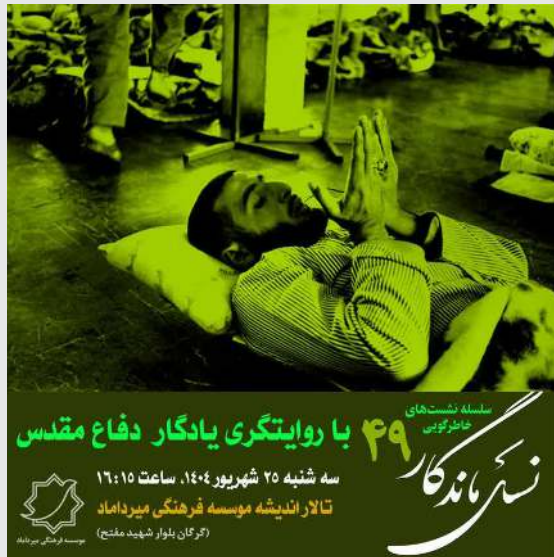


گزارش نشست چهل و نهم از سلسله نشست‌های نسل ماندگار

آنان که غیرممکن‌ها را ممکن ساختند



عصر روز ۲۵ شهریور ۱۴۰۴، چهل و نهمین نشست از سلسله نشست‌های نسل ماندگار، با حضور جمعی از رزمندگان دوران جنگ هشت‌ساله ایران و عراق و هم‌چنین عده‌ای از علاقه‌مندان موضوع ایثار و شهادت، در تالار اندیشه مؤسسه میرداماد برگزار شد.

این نشست یک تفاوت عمده با نشست‌های پیشین داشت و به شکل بداهه برگزار شد؛ در نشست‌های پیشین، از قبل با راویان هماهنگ شده و از آنان دعوت می‌شد تا خاطرات خود از دوران دفاع مقدس را بازگو کنند. اما در این نشست، مجری برنامه بدون هماهنگی قبلی، از ایثارگران حاضر در سالن خواست که چنان‌چه آمادگی دارند، به بیان خاطرات‌شان بپردازند.

کامران وزیری، یحیی شریعت‌نیا، رضا علیپور و صفر رایجی رزمندگانی بودند که بنابر درخواست مجری برنامه، به صورت خودجوش و بدون هماهنگی قبلی، بخشی از خاطرات خود از دوران حضور در جبهه‌های جنگ را با حاضرین به اشتراک گذاشتند.

کامران وزیري از آزادگان جنگ تحمیلی، به عنوان نخستین رزمنده‌ی داوطلب برای خاطره‌گویی، به روی صحنه رفت. وزیري نخستین بار در سال ۱۳۶۰ به جبهه رفت و دوباره در سال‌های ۶۱ و ۶۲ نیز عازم جبهه شد، که نهایتاً با جمعی از هم‌زمانش به اسارت دشمن درآمد. او در بخشی از خاطرات‌اش گفت: «شکنجه‌های دشمن هم جسمی بود و هم روحی. وقتی به پادگان الرشید منتقل شدیم، به مدت ۶ ماه به ما لباس ندادند. حدود ۵۰ نفر اسیر جنگی، در یک اتاق ۱۴ متری می‌خوابیدیم. نگهبان زندان، در گرمای شدید تابستان، اسراراً بعد از ناهار به محوطه حیاط می‌برد و حدود ۲ ساعت زیر آفتاب شدید ننگه می‌داشت. زمین آن قدر داغ بود که حتی برای چند ثانیه هم نمی‌شد پاشنه‌ی پا را روی زمین گذاشت. در چنین شرایطی، بچه‌ها را به روی سینه بر زمین سوزان می‌خواباند و با پوتین به پشت‌شان فشار می‌آورد، تا داغی زمین بدن آن‌ها را بسوزاند».

یحیی شریعت‌نیا، که در برهه‌ای از جنگ مسؤلیت تبلیغات لشکر امام حسین (ع) را برعهده داشت، وقتی در جایگاه قرار گرفت، با بیان خاطره‌ای از اعزام برادرش امیر شریعت‌نیا به جبهه و شهادت او، گفت: «طبق آمار ۲۱۱ هزار مادر شهید داریم، که ۱۷ هزار نفر از آنان پیکر فرزندان‌شان از جنگ بزرگشت و چشم‌انتظار ماندند». او اضافه کرد: «برادرم امیر در ۲۹ بهمن ۱۳۶۰ در ادامه عملیات طریق‌القدس شهید شد. مادر بی‌قراری می‌کرد و پدرم بلافاصله به عنوان امدادگر به جبهه رفت و در مقر اصفهانی‌ها مستقر شد. آن‌جا نشانه‌هایی از امیر گرفت، تا آن‌که نهایتاً به محل شهادت‌اش رسید و در شرایطی سخت، او را به‌کول گرفت با خود به عقب آورد».

شریعت‌نیا، در بخشی دیگر از خاطرات‌اش گفت: «معنویت جنگ مبتنی بر باورمندی رزمندگان بود. در یک عملیات مجبور به عقب‌نشینی شدیم. شرایط به قدری سخت شده بود که همه‌ی ما اسلحه‌ها و خشاب‌ها و تجهیزاتی که همراه داشتیم را انداختیم. اما در همان شرایط دیدم یک نوجوان سه‌پایه‌ی دوشکا و تجهیزات شخصی خودش را به عقب آورده است. این درحالی بود که او در شرایط عادی حتی توان بلند کردن سه‌پایه دوشکا را نداشت، اما در آن موقعیت خطرناک و سخت، با باور عمیق قلبی کاری که برای او غیرممکن بود را ممکن ساخت».

رضا علیپور هم با بیانی شیرین، چند خاطره از بچه‌های گردان مسلم را بازگو کرده و گفت: «در یکی از عملیات‌ها مصطفی علمدار به بچه‌ها گفت: امشب شب عاشورا است، به یاد شهدای کربلا، هرکس با شور حسینی و روحیه‌ی عاشورایی تمام و کمال به وظیفه‌ی خودش عمل کند. مثلاً تک‌تیرانداز روی کار خودش تمرکز کند، تیربارچی به چیزی غیر از تیربار فکر نکند، امدادگران آماده‌ی امداد باشند و... هرکس هر وظیفه‌ای که به او محول شده، وظیفه‌اش را درست انجام دهد و به کار خودش مشغول باشد. عملیات

شروع شد و هریک در پست خود مشغول انجام وظیفه بودیم. تا آن‌که در حین عملیات و در حالی که داخل آب بودیم، یک ترکش به کمر مصطفی اصابت کرد و درجا قطع نخاع شد. اما آن موقع ما متوجه این موضوع نشده بودیم و گمان می‌کردیم که مجروحیت او سطحی و جزئی است. در آن عملیات من تک‌تیرانداز بودم. مصطفی از من خواست که کمکش کنم و او را از آب بیرون بیاورم. اما من که فکر می‌کردم چیز خاصی نشده، به شوخی گفتم: مگر خودت نگفتی هرکسی کار خودش را انجام بده؟ من که امدادگر نیستم، تک‌تیراندازم! اما وقتی دیدم مصطفی اصرار می‌کند و ظاهراً جراحت او جدی است، با کمک حسن حاج‌ابراهیمی، مصطفی را از آب بیرون آوردیم و همان‌جا بود که من هم از ناحیه‌ی پا مجروح شدم. صفر رایجی، که دوران جنگ در واحد تبلیغات فعالیت داشت، در پایان مراسم گفت: «در جریان جنگ، موضوع تبلیغات خیلی مهم و کلیدی است. یادم هست بعضی وقت‌ها دشمن تبلیغات زیادی در مورد پیروزی‌های خودش و شکست بعضی از نیروهای ما منتشر می‌کرد، که گاهی همین امر موجب تضعیف روحیه‌ی بچه‌ها می‌شد و ما هم بعضاً مجبور بودیم برای بالابردن روحیه‌ی آن‌ها از موسیقی استفاده کنیم و با پخش موسیقی، فضا را عوض کرده، تبلیغات دشمن را بی‌اثر و انگیزه‌ی بچه‌ها را زیاد کنیم».

گزارش نشست پنجاهم از سلسله نشست‌های نسل ماندگار

خاطرات دفاع مقدس، سرمایه‌ای ماندگار برای انتقال فرهنگ مقاومت، ایثار و شهادت



پنجاهمین نشست از سلسله نشست‌های نسل ماندگار، عصر ۲۷ آبان‌ماه ۱۴۰۴ با حضور جمعی از ایثارگران، خانواده‌های شهدا، دانشجویان و مسئولان، در تالار اندیشه مؤسسه

فرهنگی میرداماد گرگان برگزار شد. در این نشست، به مناسبت ورود به پنجاهمین جلسه از سلسله نشست‌های خاطره‌گویی دفاع مقدس و هم‌چنین تصادف با گرامی‌داشت ایام فاطمیه، بر ضرورت حفظ فرهنگ ایثار و مقاومت و انتقال آن به نسل‌های آینده تأکید شد و با اشاره به این‌که یکی از راه‌های حفظ و انتقال این فرهنگ، ثبت و بیان خاطرات و تاریخ شفاهی دوران جنگ و دفاع مقدس و تجلیل از شهدای و آزادگان و رزمندگان است، تعدادی از رزمندگان به بیان خاطرات خود از این دوران پرداختند. راپیان این نشست دکتر مفید اسماعیلی و سیدمهدی رضایی از آزادگان گرانقدر دفاع مقدس شهرستان قائمشهر استان مازندران بودند.

درابتدای این برنامه، سیدمهدی رضایی بخش‌هایی از خاطرات اسرا درباره شرایط سخت اردوگاه‌های عراق را بازگو کرده و مسائلی چون کمبود شدید آب و غذا، گرمای طاقت‌فرسای تابستان، وضعیت نابسامان بهداشتی، شیوع بیماری‌ها و برخوردهای خشن نگهبانان عراقی و امثال آن را به عنوان نمونه‌هایی از سختی‌ها و فشارهای جسمی و روحی دوران اسارت در زندان‌های عراق برشمرد. او همچنین یادآور شد که در برخی کمپ‌ها بیش از ۵۰ نفر در اتاقی کوچک گنجانده شده و با کمترین امکانات، روزگار سخت اسارت را سپری می‌کردند.

دکتر مفید اسماعیلی از آزادگان دوران جنگ تحمیلی، ضمن اشاره به نقش شخصیت‌های برجسته در بین اسرا، حضور آنان را عامل تقویت روحیه‌ی مقاومت و ایجاد اتحاد میان اسرا دانسته و مرحوم سیدعلی‌اکبر ابوترابی، را که نماد صبر، ایمان و ایستادگی بود، به عنوان یکی از چهره‌های تأثیرگذار دوران اسارت معرفی کرد.

در این نشست از شهدا و آزادگانی هم‌چون شهید صادق علی‌شکری و دیگر رزمندگان یاد شد که با وجود جراحات و فشارهای روحی و جسمی، تا آخرین لحظه روحیه‌ی ایثار و امید را حفظ کردند. در بخش دیگری از مراسم، اهمیت جایگاه حضرت زهرا(س) به عنوان الگوی صبر و فداکاری مورد تأکید قرار گرفت و سخنرانان با اشاره به شخصیت و سیره ایشان، نقش معنویت و توسل را در پایداری رزمندگان و اسرا یادآور شدند.

در پایان مراسم نیز، سخنرانان با تأکید بر ضرورت ادامه‌ی نهضت روایت‌گری دفاع مقدس، این خاطرات را سرمایه‌ای ماندگار برای انتقال فرهنگ مقاومت، ایثار و شهادت به نسل‌های آینده دانستند و خواستار حمایت بیشتر از برنامه‌های فرهنگی مرتبط با حفظ میراث دفاع مقدس شدند.